payamdaily.ir

پیام البرز

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۱۶۰۴
شنبه / ۳۰ / اردیبهشت / ۱۳۹۹
۱۵ / رمضان / ۱۴۴۱
09 / May / 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۴۳۳-۳۲۵۳۲۴۳۲ ۰۲۶- فکس: ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

قاصدک

سرشارِ ادراک

بیدارشو بیدار شو، برخیز از این خواب گران
در کار شو در کار شو، چون اَبر، چون آب روان
علم همه مَشیر و تو، افتاده در اوهام خویش
هستی همه رقصان و تو، سنگین و غمگین و پریش
تا کی درون بیلهات دلخوش به مُشتی دانه‌ای؟
آیا تو ای غفلت نشین! کمتر ز یک پروانه‌ای؟
دل بر کن از بود و نبود، در کنج حسرت تا کجا؟
محوز رلذوزان مشو دنیا نمی‌ماند بجا
ارض و سما از آن توست، محزون مباش از بیش و کم
بشکن همه دیوارها، برخیز از این اَوار غم
بُگسل ز خود زنجیرها، گامی بزن، دستی فشان
در سرزمین بِکْر خود، شعری بزن، تخمی نشان
بگشای چشم جان خود، هستی همه شوق است و شور
این کهکشان بیکران، سرشارِ ادراک است و نور
کم دارد این عالم تو را، برخیز از این بازندگی
هر ذره می‌گوید تورا، همگام شو با زندگی
بیتوته در مُردابها، مرگ است و بُطلان و عَدَم
ماندن در این جَزم و سکون، کَسر است و خُسران و نَدَم
از چاه تنهایی درآ، اَبی بزن بر دیدهات
از جهل خود بیرون بخَه، با تکیه بر اندیشه‌ات
از مَهد تا سنگ لحد، دانش بیاموز و خِرَد
زیرا خِردورزی تو را، تا عَرش بالا می‌بَرَد
علم و هنر فخر است و عِزّ، هر مرد و زن را در جهان
انسان همه جسم است و تَن، علم و هنر روح و روان
شوری بده بر خویشتن، بار دگر آغاز کن
پایان بده بر آنچه شدا، آواز کن، پرواز کن

رعنا یغموری

یادداشت

خانه بمانیم یا خانه نمانیم؟

اشعب مهتاب اومد نام گرفته، زیباتر و بزرگ تر از همیشه به سقف آسمان چسبیده. یک ماه گلی رنگ درشت. حتما ماه رنگش را از شکوفه های صورتی درختان هلو توی روستاهای کندوان گرفته یا لاله های کندو و گچسر که اینقدر خوش آب و رنگ به نظر می رسد. حتما بوی آنهمه یاس و اقاقی مستش کرده که اینطور رنگ به صورت گرد و تپلش دویده که یادش رفته توی آردیبهشت ماه هم باید ماسک بزند تا از کرونا در امان باشد.

شاید آن قدر زیبایی طبیعت و سرسبزی البرز، حواسش را پرت کرده که آدم های این پایین را نمی بیند که چطور با سر و شکلی عجیب پیچیده در دستکش های لاستیکی و ماسک های رنگی این طرف و آن طرف می روند. یا آرنج هایشان دکمه آسانسور را فشار می دهند و در را باز و بسته می کنند. چطور دست بچه هایشان را کیپ کیپ می گیرند که به چیزی مالیده نشود. آخر ماه چه کاری به این حرفها دارد. خیلی کیفش کوک باشد. چند تایی موج را روی هم بغلتند و مدی و جزری راه بیندازد.

اما خوبی ماه در این است که از پشت پنجره همه دیده می شود. از روی هر اپیلی و پشت بامی، برای دیدنش نمی خواهد بلیط بخری. یا دو برابر همیشه پول کرایه ماشین بدهی تا فاصله اجتماعی را رعایت کرده باشی. ماه به روی همه از پیر و جوان لبخند می زند حتی برای شصت و پنج سال به بالا. ها مثل رعد و برق نیست که ترس را به دل آدم بیندازد.

برق شهر را ببرد و مجبور باشی توی تاریکی بنشینی و به صدای طوطان و ریختن گوجه سبزهای ترد توی حیاط پاشکستن شاخه های درخت نارون پیر توی کوچه، گوش بدهی. حتما ماه گلی زیر بوته های سبز کوت، صوت سفید و گوشتالوی قارچ ها را دیده که از ترس آنهمه رعد و برق بیرون زده اند. یا چشمش به برگ های سبزو پهن والک روشن شده که صورتش از خوشحالی اینطور بوق می زند. خوش به حال ماه ما که توی قرنطینه ایم و دستمان به آن قارچ ها و سبزی های کوهی نمی رسد. باید به همین قارچ ملازد. خودمان توی هایپر محل رضایت بدهیم. باید دلمان دائم از همه چیز بلرزد.

از دیدن پیرمردی با گردنی قروقاتمه وقتی به قیمت روی برنج دست می کشد و پاکشان از مغازه بیرون می رود یا برای بچه هایی که توی سطل آشغال بدون دستکش و ماسک دنبال بطری نوشابه می گردند. خوش به حال ماه که شیفت کاری اش شب است و این چیزها را نمی بیند. برای همین است که لیش از خوشی مثل گل انار سرخ است و از آن خون می چکد. اما زمین بیچاره که مثل ماه خوش به حالش نیست.

حساب زمین با ماه از زمین تا آسمان فرق دارد. همه آدم های سالم و بیمار، فقیرها و پولدارها، شهری ها و روستایی ها همه و همه، در روز رویش قدم می گذارند. گروهی زخمش می زنند و قدرش را نمی دانند عده ای هم هوایش را دارند و نوازشش می کنند. دوستش دارند ولی دستمال به جایی نمی رسد را هجمه این همه پلاستیک و بی تفاوتی خسته و کلافه اند. از اینهمه دود و آلودگی نفس هایشان بند آمده. از آزار زمینی که همین یکدانه است و قرار است برای همه باشد. آنهایی که تازه آمده اند و قرار است بعدا بیایند. شاید یکی از این آنهای خسته و نگران همین اشعب سرش را توی چاهی کرده و درد دلش را توی آن ریخته که زمین لرزید.

لرزشی خفیف و کشدار در همین نزدیکی ها، زیر پوسته همین تهران خودمان. شاید دل دماوند از این همه بی توجهی و درد به آتش کشیده شده که زیر نور ماه گلی، آه سوزانی برآورده. شاید دل زمین برای ما موجودات گیج و ترسان لرزیده که نمی دانیم از ترس کرونا توی خانه بمانیم یا از وحشت زلزله به بیرون بدویم. شاید.

معصومه ابوالحسنی

یادداشت

پیچیدگی و پوشیدگی واکنش به کرونا

یک موضوع مهم در مورد واکنش انسان‌ها به بیماری کرونا و حواشی آن، که گاه یا ساده انگاری به تشخیص‌های شتابزده روانشناختی برای نمونه، اختلال اضطرابی یا افسردگی تحویل می‌شود، پیچیدگی‌ها و پوشیدگی‌های این واکنش است. برای ارزیابی واکنش آسیب‌دیدگان از کرونا، خواه بیماران، خواه پرستگان بیمار، خواه عموم مردم که با پیامدهای اقتصادی و فرهنگی آن روبرو شده‌اند و خواه کادر درمانی، به چیزی فراتر از فهرست نشانه‌های روانی نیاز است. این آسیب‌دیدگان به ارزیابی «روان ـ آسیب‌شناختی»* نیاز دارند به عنوان توضیح باید اضافه کنم که گرچه روانپزشکی شاخه‌ای از پزشکی و علوم طبیعی است. اما روان ـ آسیب‌شناسی فراتر از پزشکی و شامل علوم انسانی و مقولاتی از قبیل فرهنگ و مردمشناسی و تاریخمندی انسان است.

کرونا رویدادی است که همه وجوه زندگی یک شخص را همراه با محیط پیرامون او تحت تأثیر قرار می‌دهد و انتظارات او از زندگی و آینده و روابط اجتماعی وی را دگرگون می‌کند. بنابراین در کرونا فقط اختلال انطباقی یا اختلال فشار روانی به دنبال سانحه را که از تشخیص‌های متداول روانپزشکی بر اثر رویدادهای استرس‌آور زندگی یا بلایای طبیعی یا ساخته دست انسان هستند نمی‌بینیم. واکنش به کرونا مسائل کلی هستی و وجود فرد را شامل می‌شود و پرسش‌های هستی گرایانه (اگزیستانسیل) را مطرح می‌سازد. رویاروبی با کرونا و حواشی آن برای انسان یک نقطه عطف محسوب می‌شود که با روش سلوک و گزینش‌های او مربوط است که می‌تواند موجب تعالی و یا برعکس، پناهبردن به انزوای یک صدف حفاظتی شود.

در برابر کرونا انسان با برسش‌هایی روبرو می‌شود، از جمله اینکه آیا باید با این بیماری بجنگد یا آن را بپذیرد؟ شاید بگویید البته که همه می‌خواهند با این بیماری مبارزه کنند، اما رفتار بسیاری از مردم چنین نشان نمی‌دهد. آنان دستورهای ایمنی و توصیه‌های پیشگیری را رعایت نمی‌کنند و گویی ابتلا به بیماری برایشان مهم نیست.

برخی می‌گویند چه فرقی می‌کند؟ هرچه باید بشود می‌شود! که این امر به معنی تسلیم است. دوم آنکه فرد با پرسش‌های اخلاقی روبرو می‌شود که اگر پاسخ مناسبی برای آنها نیابد دچار احساس تقصیر و گناه می‌شود. از جمله: آیا من از همه توانم برای کاهش مشکلات انسان‌های دیگر و به صورت عام، همه موجودات زنده استفاده کردم؟ آیا آنچنان که از خود انتظار داشتم یا شجاعت و سخاوت و انصاف یا معماهای اخلاقی ناشی از کرونا روبرو شدم؟

به دیگران کمک مالی کردم؟ از دانش و تخصصم برای کاستن از آلام دیگران بهره گرفتم؟ در برخورد با کرونا این پرسش یا جنبه فلسفی مطرح می‌شود که آیا جهان آفرینش برای انسان پیش‌بینی‌پذیر است یا بر حسب فهم محدود آدمی تصادف بر آن حکومت می‌کند؟

در رویارویی با کرونا احتمال مرگ هم مطرح می‌شود. انسان موجودی است که از بودن خویش آگاه است و همین امر به نحوی متضاد به معنی آگاهی از مرگ است که در او اضطرابی اگزیستانسیل پدید می‌آورد که با اضطراب شناخته شده ناشی از افزایش فعالیت نور آدرنرژیک یا تعارض‌های درون‌روانی و یا تردیدهای رفتار گرایانه و شناختی متفاوت است و تنها با گزینشی مبتنی بر اراده و خودآگاهی قابل رفع است. این موضوع نیز در مواجهه با کرونا برای فرد مطرح می‌شود که آیا فرصت خواهم داشت به هدف‌های خود برسم؟ و این پرسشی است که عموماً پاسخ آن منفی است و احساس رنج پدید می‌آورد. همه این موضوعات مهم نیز در چارچوب تاریخمندی انسان و تناهی و محدودیت وجود او مفهوم می‌یابد.

انسان محصور در تاریخ است و تاریخ یک پدیده به بخشی از آن بدل می‌شود. این چنین است که فروکاستن واکنش انسان در برابر کرونا به مفاهیم زیستی یا روانشناختی یا جامعه‌شناختی صرف و ارائه راه‌حل‌های ساده‌انگارانه بر مبنای آنها راه به جایی نمی‌برد بلکه تنها گستره روان ـ آسیب‌شناسی که افزون بر این مسائل به کلیت انسان بر مبنای اگزیستانس او در برابر متعالی تأکید کنند راهگشا خواهد بود.

دکتر فربُد فدائی

یادداشت اختصاصی

به مناسبت درگذشت دکتر هادی دیالمه معلم پیشکسوت البرزی

معلم‌شهری، جامعه‌شناس روستایی

حسین عسکری

دکتر هادی دیالمه در روز دوشنبه پانزدهم اردیبهشت ۱۳۹۹ در ۸۷ سالگی در شهر کرج درگذشت و بیکرش در آرامستان روستای برغان از توابع شهرستان ساوجبلاغ به خاک سپرده شد. با نام او از اواخر دهه هفتاد خورشیدی آشنا هستم در آن سال ها به جهت نگارش کتاب «حشتی به وسعت تاریخ» گذرم به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران افتاد تا پایان نامه دوره لیسانس او را ببینم. پایان نامه ای خواندنی با عنوان «موتوگرافی دهکده نظرآباد» که در سال ۱۳۴۳ زیر نظر دکتر احسان نراقی (مدیر موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران) تدوین شده است. چون اجازه ندادند از پایان نامه تصویری تهیه کنم بیشتر از نیم روز در کتابخانه مقدم تا بخش های عمده ای از آن را وارد دفترم کنم. دکتر دیالمه در شهریور ۱۳۴۶ با ابلاغ رییس اداره فرهنگ (آموزش و پرورش) شهرستان کرج، مدیر دبستان دولتی روستای نظرآباد شد. دانش آموزان دختر و پسر آن مدرسه، هفتاد نفر بودند. در آن سال ها میرزا عبدالله مقدم مدرن ترین کارخانجات نساجی ایران را در نظرآباد راه اندازی کرده بود. این مقدم نوشته است: «مقدم این شرکت را در آستانه اصلاحات ارضی جهت ساماندهی به وضعیت ارضی کشاورزی روستای نظرآباد تأسیس کرد. وقتی این قریه را خریداری و اقدام به فعالیت‌های کشاورزی کرد چند سال پیش که بویی از مسأله تقسیم اراضی به مشاعش رسید. شروع به احداث باغ‌های مختلف و بخش‌ش آن به فرزندان و بستگان نزدیک خود کرد به طوری که در حال حاضر شرکت فلاحتی مقدم را تشکیل داده و هر کدام دارای سهام مختلفی هستند و طبق قانون اصلاحات ارضی، زمین‌های این قریه قبل تقسیم نیست زیرا سهم هر یک کمتر از میزان قابل تقسیم است.»

او ضمن اعتراض به مهاجرت های وسیع آن سال ها به نظرآباد نوشته است: «دیهی است وجود عده‌ای کارمند از طبقات مختلف و تعدادی مهندس و طراح اروپایی و همچنین کارگران اصفهانی و بالاخره کشتکاران قمی و یزدی و افراد بومی که در یک محیط کوچک، مجموعی عجیبی به وجود آورده است و از این جا است که تحولات اجتماعی دامنه‌داری شروع شده و روستاییان محل و اطراف را تحت تأثیر قرار داده است و بدینوسیله موجب تغییر کلیه شؤون زندگی‌شان شده است و حتی آداب و رسوم و معتقدات قبلی و به دنبال آن تعصبات مذهبی تقلیل یافته است.»

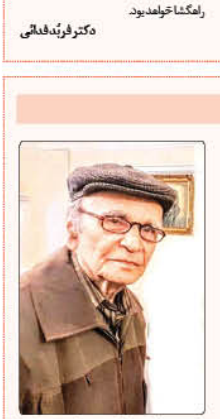

دکتر هادی دیالمه

یازدید محسنی رئیس آموزش و پرورش شهرستان کرج، هادی دیالمه رئیس آموزش و پرورش منطقه ساوجبلاغ و میرزا عبدالله مقدم از مدرسه شیروانی نظرآباد، ۱۳۴۶

کارخانجات نساجی مقدم در شهر نظرآباد

کارخانجات و به دنبال آن دیگر اقدامات فرهنگی، اجتماعی و عمرانی مقدم واکنش های متفاوتی را در بین اهالی و نخبگان برانگیخته بود. دیالمه در ردیف مخالفان مقدم بود. رگه هایی از دیدگاه ضد سرمایه داری او در پایان نامه اش بازتاب پیدا کرده است. به نظر می رسد این سرمایه دار، ستیزی او از پایگاه مذهب و سنت باشد نه تفکرات اشتراکی که کالای رایج آن روز کار بود. او با هوشمندی، نظراتش را از زبان کدخدا صفت الله خرمن بیز (در گذشت ۱۳۵۴) در قالب گفت و گوهای پژوهشی منتشر کرده به طور نمونه درباره هدف تأسیس شرکت فلاحتی در جایی دیگر از پایان نامه از زبان کدخدا صفت الله آورده است: «وقتی مقدم من را خریداری کرد، رعایا را به حضور خودند و گفت: نظر به این که شما نمی توانید بذر از خود بگارید، بذر را من به هم دو نتیجه را نصف می کنیم. البته از هر گونه کمکی به شما دریغ نخواهم کرد. چون مالک شخص متمولی است مقداری پول به عنوان مساعده بین رعایا توزیع کرد و چندی نگذشت که باز دیگر رعایا را گرد هم جمع کرد و گفت: چون می خواهم زمین های شورزار جنوب ده آباد شود، بهتر است در آن ناحیه مشغول به کار شوید. البته با مصرف کودهای لازم، نتیجه بهتری مهاجرت کرده و دیگری از مرگ و بیماری سخت او خبر می دادند به هر حال این بی خبری ادامه داشت تا روز ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۹ که از طریق یادداشت کوتاه آقای زکریا مهرور (البرزپژوه) در کانال تلگرامی «برغان روستای کهن» مطلع شدم که او در قید حیات است. تلفنی با آقای مهرور هماهنگ کردم تا به دیدارش برویم اما متأسفانه به قاصله کمتر از ۲۴ ساعت، آقای مهرور از مرگ دکتر دیالمه خبر داد. افسوس که قرمت ثبت خاطرات شفاهی این فرهنگی پیشکسوت درباره رویدادهای فرهنگی و اجتماعی دهه چهل و پنجاه خورشیدی استان البرز خواهیم گرفت. به این طریق زمین های حاصل خیز و مرغوب ده را از چنگ ما گرفت و سپس به دیوارکشی و احداث باغ‌های مختلف پرداخت و دیری نپایید که نیمی دیگر از زمین های بلورِ رابه ساختمان کارخانه نساجی اختصاص داد و رقته رقته آب را بر روی باغچه و تاکستان رعایا بست و مردم را مجبور به واگذاری اراضی کرد و به این طریق درختان کهن را که با عرق جبین پدران ما آبیاری شده بود خشک و ریشه کن کرد و باز هم آسوده نشد و چشم طمع به خانه‌های مسکونی ما دارد و ضمناً چون از نگهداری گاو و گوسفند مسامحت می کند و از طرفی دیگر مرتع و بونجه‌زاری برای چریدن موجود نیست به ناچار همه چیز را از دست داده و چارهای نداریم جز این که زن و فرزند خود را در مقابل مزدی ناچیز به کارخانه بفرستیم تا شاید بدینوسیله احتیاجات خود را تأمین کنیم.» دیالمه در ادامه این گفتوگو می نویسد: «چون سخن به این جا رسید کدخدا صفت‌الله آه سردی کشید و گفت: افسوس که نتیجه رنج مسداله پدران خود را رهنت و مسلّم از دست دادیم.»

پیش از چاپ کتاب و پس از آن نتوانستم ردی از دکتر دیالمه بگیرم می خواستم با صاحب پژوهشی، نادسته هایم را مرور نظر آرا قدیم تکمیل و تصحیح کنم. از فرهنگیان پیشکسوت منطقه هم سخنان منتقدی درباره او می شنیدم؛ یکی می گفت خواهرم گرفته به این طریق زمین های حاصل خیز و مرغوب ده را از چنگ ما گرفت و سپس به دیوارکشی و احداث باغ‌های مختلف پرداخت و دیری نپایید که نیمی دیگر از زمین های بلورِ رابه ساختمان کارخانه نساجی اختصاص داد و رقته رقته آب را بر روی باغچه و تاکستان رعایا بست و مردم را مجبور به واگذاری اراضی کرد و به این طریق درختان کهن را که با عرق جبین پدران ما آبیاری شده بود خشک و ریشه کن کرد و باز هم آسوده نشد و چشم طمع به خانه‌های مسکونی ما دارد و ضمناً چون از نگهداری گاو و گوسفند مسامحت می کند و از طرفی دیگر مرتع و بونجه‌زاری برای چریدن موجود نیست به ناچار همه چیز را از دست داده و چارهای نداریم جز این که زن و فرزند خود را در مقابل مزدی ناچیز به کارخانه بفرستیم تا شاید بدینوسیله احتیاجات خود را تأمین کنیم.» دیالمه در ادامه این گفتوگو می نویسد: «چون سخن به این جا رسید کدخدا صفت‌الله آه سردی کشید و گفت: افسوس که نتیجه رنج مسداله پدران خود را رهنت و مسلّم از دست دادیم.»

میرزا عبدالله مقدم بنیانگذار کارخانجات نساجی مقدم

دکتر عبدالحمید دیالمه
شهید انفجار دفاتر حزب جمهوری اسلامی در ۷ تیر ۱۳۶۰

علی باباژاده مقدم از شهدای انقلاب اسلامی در کرج

کدخدا صفت الله (سمت چپ)

منابع: هادی دیالمه، موتوگرافی دهکده نظرآباد، ص ۱۲، ۲۰. یادداشت زکریا مهرور در کانال تلگرامی برغان روستای کهن؛ حسین عسکری، دشتی به وسعت تاریخ، ص ۲۱۶، ۲۲۴؛ فرهنگ اعلام شهدا ج ۳۳ (استان البرز)، ص ۶۰

یادداشت

ده فرمان نوجوانان را جدی بگیریم

رضا قاسم‌پور

نوجوانان به عنوان بخش مهمی از ترکیب فعال جمعیتی یک کشور بوده و دوره نوجوانی (دانش دوره متوسطه) از برش های مهم زندگی هر انسانی محسوب می شود.

یک نوجوان از نظر فیزیولوژیک و غلیانات احساسی در تلاطمات شدید روحی بوده و در چنبره امواج سهمگین حد فاصل کودکی و جوانی مات و مبهوت سرگردان است.

بلوغ زودرس جنسی، استفاده نادرست از فضاهای مجازی، طلاق والدین، اعتیاد، عدم توجه به تفاوت های فردی و فرهنگی و... بخشی از آسیب های اجتماعی پیرامون ماست.

آسیب شناسی این برهه از زندگی نیازمند مطالعات عمیق، میدانی و عالمانه محققان و صاحب نظران حاقق است. ده توصیه ساده زیر شاید کاربستی ساده برای گشودن بابی بر این حوزه حساس تلقی شود.

۱. لطفا فقط مرا با خودم مقایسه کنید نه با دیگران، نه با بچه های قامیل نه با هیچ کس.

۲. برایم تنها پدر و مادر شناسنامه‌ای نباشید. من سرلسر نیازم و به شدت به شما محتاج

۳. به همان اندازه که توقع احترام از من دارید من هم توقع اعتماد دارم.

۴. در پی ابراز وجود و کسب محبوبیتم، گاهی با نابسامانگاری، گاهی با مخالفت و گاهی با پرخاش.

۵. در خیالاتم غوطه‌ورم، شاعر و علاق پیشه. خود شیفته، قیلسوف صفت، نازاضی و طلبکار از زمین و زمان.

۶. تغییرات هورمونی و هیجانی مرا درک کنید من دیگر کودک ملوس و شیرین زبانتان نیستم

۷. به جای مبارزه با من مذاکره کنید.

۸. تاکامی های دوره کودکی تان را با من جبران نکنید.

۹. به جای تلاش برای دکتر و مهندس شدنم، بکوشید تا انسان سالم و شهروند مسئولی باشم.

۱۰. نگذارید شکاف نسلی دیوری، به گسلی بین من و شما بدل شود.

به قول قیصر امین پور:

نه چندان بزرگم
که کوچک بیایم خودم را
نه آنقدر کوچکم
که خود را بزرگ
گریزازمیانیگی
آرزویی بزرگ است؟

برنامه

برای به دست آوردن عشق مبارزه کنید ام هیچ وقت عشق را گدایی نکنید.

گابریل گارسیا مارکز

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۲۸	۰۶:۰۵	۱۳:۰۲	۱۹:۵۸	۲۰:۱۸

خوشنویس

خوشا دلی که تو باشی نگار پرده نشینش

فروغی بسطامی

امروز با حافظ

باد صبا از عهد صبی یاد می‌دهد
جان داروبی که غم ببرد درده ای صبی
حشمت مبین و سلطنت گل که بسپرد
فراش باد هر ورقش را به زیر پی

پرنده جراید

کتاب‌فروشی هم جزو مشاغل آسیب‌دیده از کرونا قرار گرفت

ایبنا- بانک مرکزی، فعالان حوزه نشر، کتاب‌فروشی و توزیع کتاب را به‌عنوان مشاغل آسیب‌دیده از کرونا شناخت.

بعد از شیوع ویروس کرونا و آسیب اقتصادی فعالان حوزه نشر، به دنبال پیگیری‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران، صنف کتاب‌فروشی در فهرست مشاغل آسیب‌دیده از کرونا قرار گرفت.

با انتشار تازه‌ترین فهرست مشاغل آسیب‌دیده از سوی بانک مرکزی آمده است: «به استناد نامه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مصادیق تشخیصی آن وزارتخانه در خصوص بند(۱۰) مشتمل بر کتابفروشان، ناشران، موزعان (کتاب، کتاب‌های هنری، پوستر) و کارت‌پستال‌فروشان است.

با توجه به مشاغل مورد اشاره و ضمن اعلام این که فهرست رسته‌های اعلام شده در این بخشنامه، جایگزین بخشنامه قبلی در این ارتباط است، این موضوع به قید تسریع به تمام واحدهای آن بانک‌ها و مؤسسه اعتباری غیربانکی ابلاغ می‌شود.»

مشاغل فرهنگی آسیب‌دیده از کرونا طی امروز و فردا، پنجشنبه و جمعه ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت‌ماه فرصت دارند با مراجعه به وبسایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اطلاعات رسته فرهنگی آسیب‌دیده از کرونا را ثبت کنند. این مشاغل شامل نشر، چاپ، ادبیات، قرآن و عترت، عرضه محصولات فرهنگی و زیارتی است.

این بخش با هدف بهره مندی صاحبان مشاغل فرهنگی، هنری و رسانه‌ای متقاضی دریافت حمایت دولتی از بسته‌های حمایتی دولت، برای جبران خسارت کرونا طراحی شده است.